



هوا

نشریه فرهنگی اجتماعی هیوا
سال اول_ شماره دو_ بهمن ماه ۹۶



تکه ای از نداشته ها
فریاد نزنید ، کودکی را در خوابم
بهار کودک می رسد اما...
الف با ما
کودکان کار برای هیچ باند یا گروه خاصی کار نمی کنند
کودکان کار از دیدگاه جهانی

صاحب امتیاز: کانون بچه های آسمان

هیوا، نشریه کانون خیریه بچه های آسمان دانشگاه صنعتی اصفهان
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

مدیرمسئول: سید سینا سجادی

سر دبیر: پارسا حقیقی

طراحان: مهسا فراست، پارسا حقیقی، حامد رضائے

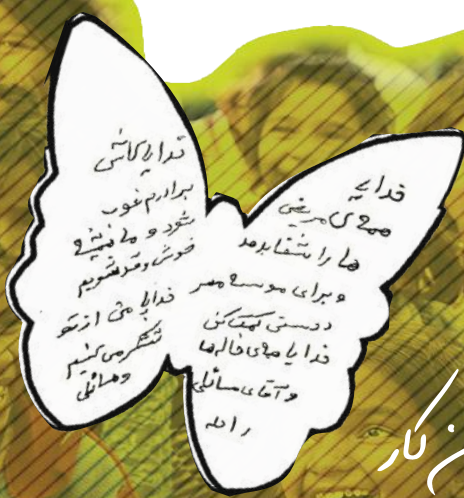
صفحه آرایه: حامد رضائے

همکاران این شماره: سارا نوری نکوی، فاطمه مهرعلی، عاطفه

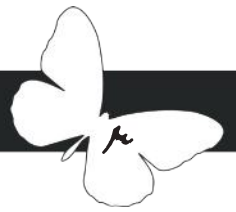
شریف، سجاد کریبی راهجردی، فاطمه شاهوردی، علیرضا زارعی، کاظم

اکبر نژاد، هانا شکوہی، زهرا شجاعی، مریم رحیعی، راضیه سلیمانے

ویراستار: محمد حسین فروردین



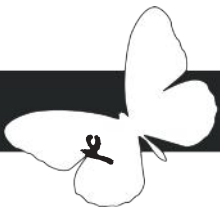
دست نوشته های کودکان کار



تکه ای از نداشته ها

این روزها و در میان بهبه ی روزهای بی رنگ و لعابش که زندگی همه ما پر شده از واژه واژه تناقض آرزوها کاش يك بار هم که شده می نشستیم و به جدول امتیازات هم نگاهی می انداختیم، با روزگار که هیچ لاقل با خودمان چند چندیم که این شده حال و روز دنیا مان. این ها را گفتم یاد آور بشوم ما به غیر از زندگی شخصی خودمان نسبت به دنیای اطراف هم مسئولیتی داریم مسئولیتی نانوشته از جنس احساس به رنگ عاطفه و با طعم زندگی. آری زندگی بخشیدن به کسانی که محروم شده اند از محبت از کودکانگی از بازیگوشی و حس قشنگ زندگانی، کاش این دو هزاری ها زودتر می افتاد که هستند کودکانی که به هزار دلیل بی دلیل سر چهارراه غربت می فروشد گلی را که از اشک گرسنگی شب زنده داشته اند، هستند دست های کوچکی که فرچه های واکس و قلم و خودکار دیگر تناقض زمختی را برایش بی معنا کرده و هستند آن هایی که وقتی مشق بابا نان داد می نویسند ناخودآگاه اسم خود را با آهی از جنس خستگی دکلمه می کنند. کاش نگاهی می انداختیم به دو فرسخ آن طرف تر که برای این کودکان کار هم فردایی هست، فردایی که می شوند یکی از همین بطن جامعه پس بیایم کمی فقط کمی هم که شده نشانه ای باشیم از مهربانی خدا برای فراموش شدگانی که سر چهارراه عشق می فروشد بیایم چراغ قرمزی باشیم که بودنش تمام لذت آنها است





قانون کار، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و... مقرر شد و سپس در اعلامیه حقوق کودک، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقاله نامه شماره ۱۸۲ راه یافت.

استفاده از نیروی کار کودک امری نوظهور نمی باشد و از قرن ها پیش کودکان همراه با نزدیکان خود در امری چون کشاورزی و دامداری و... اشتغال داشته اند. با توسعه صنعت و مشاغل حاشیه ای آن، کار کودکان به شکل مزد بگیری و در خارج از محیط خانواده عمومیت یافت و بهره کشی از کار کودکان، توسط کارفرمایان به عنوان یک معضل اجتماعی در آمد. لذا با مشخص شدن خطرات کار در سنین پایین و زیان های روحی و جسمی که با توجه به شرایط نامساعد کار به کودکان وارد می آمد، ضرورت حمایت از کودکان احساس می گردید و از سوی دیگر افزایش آگاهی های اجتماعی سبب شد که بسیاری از امور که در گذشته عادی تلقی می شد، امروزه مغایر با شئون انسانی محسوب شود و برای از بین بردن و یا به حداقل رساندن این امور در جامعه تلاش شود. هر سال ۲۵۰ میلیون کودک، کودکان بزرگ شدن را می فهمند و کوچکانه دستانی که پینه می بندد و با کفش هایی که بیشتر از هر کجا با آسفالت خیابان ها خو گرفته اند قدم بر می دارند. خیلی کار دشواری نیست که لااقل ما اندکی سهم این بار را بر دوش کشیم، باید لب گشود و سخن گفت از این معمول ترین معضلی که از میانه ی آن هزاران دست کوچک اما محکم برای گرفتن شاید اندکی امید؛ بلند شده است. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی میشود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر میکند و فقر و تهیدستی را افزایش میدهد و با بازداشتن کودکان از فراگیری دانش و مهارت، آسیب های اجتماعی گوناگونی را وارد و در نتیجه مانع پیشرفت و توسعه جامعه میگردد

طبق تحقیق جمعیت امداد مردمی دانشجویی امام علی در مورد کودکان کار و خیابان در سال ۹۲؛ ۵٪ از کودکان کار و خیابان کمتر از سن ورود به مدرسه هستند، ۳۵٪ در حال تحصیل و ۴۰٪ ترک تحصیل و ۲۰٪ اصلا به مدرسه نرفته اند. در آمار دیگری که از وضعیت کودکان کار از آن جمعیت منتشر شده: ۴۰ درصد کودکان کار دست فروش، ۶۱ درصد کارگر، ۹ درصد فال فروش، ۸ درصد زباله گرد و ۶ درصد تکدی گر هستند. ۷۵ درصد از کودکان کار در گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ سال قرار دارند. میانگین سنی کودکان کار ۱۳ سال است؛ ۵ درصد کودکان کار زیر ۷ سال هستند. ۴۰ درصد از این کودکان به کلی بی سوادند، ۲۰ درصد این کودکان فاقد شناسنامه هستند. چهره ای که زرد و بیمار گونه شده است و روز به روز بیشتر درهم فرو میرود و دیری نمی پاید که از پس شانه های خمیده اش، فرو ماند؛ و این تصویری نه چندان اغراق آمیز از آینده ی جامعه ایست که کودکانش به جای گرفتن قلم در دستانشان اجناسی برای فروش دارند...

از نگاه سازمان بین المللی کار، اگر چه اقدامات

فریاد نزنید، کودکی رادر خوابم

«همه ی کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند. حق دارند بازی کنند و آموزش ببینند تا شرایط مناسب شکوفایی توانایی ها و رشد جسمی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی آن ها فراهم گردد»

(ماده ۲۷ پیمان نامه حقوق کودک)

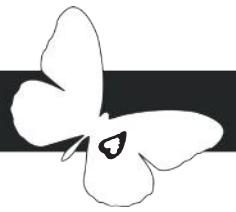
هوا بسیار سرد است و خیابان ها هم خلوت، شال گردن را محکم تر به دور گردنم می پیچم و بر سرعت قدم هایم می افزایم تا به موقع به اتوبوس برسم؛ بفرمایین خانم! کسی غیر از من آنجا نبود با دقت به اطرافم نگاه می کنم تا صاحب صدایی را که احتمالا من را مخاطب قرار داده است، بشناسم. پسر بچه ای لاغر در حالی که ساک بزرگی را بر روی دوشش جابه جا می کرد، نزدیک تر آمد و یک دسته جوراب را مقابل صورتم گرفت؛ تنها فروغ قهوه ای چشمانش بود که در صورت سرما زده اش به چشم می آمد؛ هنوز درست متوجه نشده بودم که چرا کودکی در این سرمای زمستان باید در خیابان باشد و کوله باری دو برابر جثه ی خود را بر دوش بکشد؛ که با لحن ملتسمانه و ضعیفی چیزی را زیر لب زمزمه کند: خواهش میکنم یه دونه، یه دونه!! خواهش میکنم... انگار که ترانه ای را از حفظ بخواند؛ ترانه ای که شاید نت های تکراری غم را می نواخت.

همه ی ما ناظر بر این رخداد بوده ایم که وقتی از معابر و خیابان های شهر گذر می کنیم شاهد حضور کودکانی هستیم که با ظاهری ژولیده و غبار آلود با دسته های گل، فال و... به طرف انبوه ماشین ها حرکت می کنند تا شاید فقط یک یا دو ماشین پس از اصرار های متعدد گلی بخرند و دستمالی بر روی شیشه ماشینی کشیده شود؛ رنگ قرمز چراغ ها بر سر چهارراه های این شهر هر روز شاهد بخت آزمایی چشمانی معصوم، در شمارش معکوس حرکت اتوموبیل ها هستند!

ک مثل کودک

کودکان کار؛ نامی است که بر روی معمول ترین عارضه ی جوامع به خصوص در کلان شهر ها گذارده شده است؛ کودکان زیر ۱۸ سال کارگری که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند که این امر در بیشتر اوقات آن ها را از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد. در طول تاریخ همواره کودک به علت ویژگی های خاص جسمی و روحی در معرض سوء استفاده های مختلف قرار گرفته است. کار کودک به علت مزایای منحصر به فرد آن، از جمله این سوء استفاده هاست. استفاده از کودک کار رفته رفته به علت مزایای آن در اشکال مختلف، امری عادی تلقی شد. این امر ناپسند عادی شده در آرمان های اخلاقی، دینی و حقوقی مورد مذمت قرار گرفت و وجدان های بیدار بشری را در راستای وضع قوانینی برای حمایت از کودکان کار واداشته است. حمایت از کودکان کار ابتدا در سطح داخلی و در قوانینی چون قانون اساسی،





وظایف ذاتی خود، آموزش مهارت فرزند پروری برای والدین، شناسایی و جذب کودکان فراری و بازگشت هرچه سریع تر آنها به خانواده ها یا نهادهای حمایتی به منظور پیشگیری از آسیب های فردی و اجتماعی ناشی از فرار، شناسایی خانواده های در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و حمایت از آنها، شناسایی خانوارهایی که از طریق کار کودکان روزگار می گذرانند و رسیدگی به اوضاع آنها، پیشگیری از ورود غیر قانونی مهاجران اتباع بیگانه به کشور و اخراج هرچه سریعتر آنها، پایبندی دولت به پیمان نامه حقوق کودک و عزم جدی در جهت حمایت از کودکان، حمایت از سازمان های مردم نهادی که در حوزه کودک فعال می باشند، اتخاذ تدابیر قانونی در جهت برخورد با تمامی افرادی که کودکان را مورد بهره کشی قرار می دهند و...

اعضای قشرهای پایین اجتماعی به احتمال زیاد نمیتوانند از مسیرها و راه های عادی مورد قبول جامعه موفق شوند یا حداقل نیازهای ممکن خود (نیاز به امنیت و آرامش خانوادگی، نیاز به احساس هویت، استفاده از امکانات تحصیلی، مورد توجه بودن در محیط داخل و خارج خانه، احساس امنیت مالی و...) را رفع کنند، لذا به انحراف گرایش پیدا میکنند؛ داشتن اعتقادات و تعلقات مذهبی و پذیرفته شدن در گروه های اجتماعی مناسب، اهداف و ارزش هایی است که باعث می شود فرد برای رسیدن به آنها تلاش کند، در صورت نبودن وسایل و راه های رسیدن، راه هایی را انتخاب می کند که از دید جامعه و اجتماع پذیرفته نبوده و نوعی ناهنجاری یا انحراف محسوب می شود. کودک خیابانی نه تنها به دلیل فقر و از هم گسیختگی خانواده و مسائل و مشکلات روانی و اجتماعی بلکه به دلیل سن کم راه انحراف را انتخاب میکند

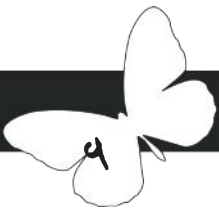
ما از چه حرف میزنیم؟ معضل اجتماعی؟؟ چهره ی زشت و ناپسند يك كلان شهر؟؟ آسیب های ناشی از آن که گریبان گیر پیشرفت يك اجتماع می شود؟!! خیر، خیر، طرف صحبت ما تنها يك كودك است! کلمه ای که هرچه بیش تر به آن بنگری و وسعت می گیرد و آنقدر بزرگ می شود که دنیایی را به تسخیر در خواهد آورد.

خلاصه آنکه تا از نفس نیفتاده اند باید بسیج شد برای گرفتن دست هایشان

سازمان ها و نهادهای اجتماعی برای پایان بخشیدن به کار کودکان و برخورداری خانوارهای کارگری از حداقل های اجتماعی قابل توجه است ولی بخش اعظمی از کودکان کار در سراسر جهان همچنان به دلیل فقر اقتصادی و ناتوانی خانواده در تامین معاش به کار روی می آورند. همچنین آمارهایی هست که درصد آسیب هایی که به کودکان وارد می شود را نشان می دهد: وضعیت مربوط به مصرف مواد مخدر: حدود ۵ درصد از پسران و ۱ درصد از دختران دارای سابقه مصرف مواد بوده اند. تحقیق مرکز تحقیقات ایدز وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۰ بر ۱۰۰۰ کودک کار شهر تهران: ۴ الی ۵ درصد کودکان مورد مطالعه، اچ ای وی مثبت بودند، ۱۵ درصد کودکان مورد مطالعه مصرف کننده مواد مخدر بودند (شیوع ایدز در مصرف کنندگان ۹ درصد بود). در میان کودکان کار به نظر می رسد تعداد پسران بسیار بیش تر از دختران است، این به آن معنا نیست که دختران از بی توجهی در امان هستند؛ بلکه آنها وضعیتشان تا حدی متفاوت است، که همین امر مساله بسیار قابل تامل و حساس می باشد. هرچند در ایران آمار دقیقی از این کودکان ارائه نمیشود و بعضا خیلی از آمارهایی هم که ارائه می شود از سوی مسئولین غیر واقعی تلقی می شود (چشم ها را بسته ایم!!) اما مستندات حاکی از آن است که به طور تقریبی ۸۰٪ کودکان کار دارای والدین هستند!! نکته حائز اهمیت دیگر این است که همین نداشتن بانک اطلاعاتی پیرامون کودکان کار خود یکی از سدهای پیش رو در حل این معضل می باشد چرا که اگر برآیند درستی از تعداد و شرایط این کودکان داشته باشیم بهتر و سریع تر میتوان برنامه هایی برای سازماندهی آن ترتیب داد.

پیشگیری از کار کودکان

پیشگیری از کار کودکان باید به عنوان يك ضرورت انکارناپذیر در اولویت کارهای سازمان ها و نهادها قرار گیرد؛ البته اگر سازمان یا نهاد ویژه ای برای حل این معضل به صورت اختصاصی بنیان گذاری شود چه بسا تنوعی های بسیار در رابطه با حل این موضوع به وقوع بپیوندد چرا که درگیری نزدیک به ۲۰ ارگان دولتی و خصوصی در رابطه با این معضل راه به جایی نبرده است و این که پراکندگی این نهاد ها؛ خواه ناخواه برنامه های متنوعی را هم در پی خواهد داشت و از طرف دیگر هر کدام مسئولیت ها را به دیگری نسبت می دهند و در نهایت قدم موثری برداشته نمی شود. بخش عمده ی این وظایف پیشگیرانه و حتی حل مشکلات پیش آمده بر عهده ی دولت و ارگان های وابسته می باشد اما نقش تاثیر گذار دیگر قشرهای جامعه علی الخصوص جامعه ی دانشگاهی را در حل و بررسی و تحلیل این معضل اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت؛ هرچه به این موضوع بیشتر پرداخته شود وجهه ی فراموش شده ی خود را میتواند باز یابد و اهمیت آن هرچه بیشتر جلوه گر خواهد شد. از مهم ترین عوامل پیشگیرانه که میتوان نام برد: بالا بردن سطح رفاه عمومی از طریق اتخاذ سیاست های حمایتی دولت، افزایش عدالت و برابری اجتماع، کاهش تورم و فقر، بالا بردن سطح آگاهی مردم، اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی به منظور پیشگیری از آسیب پذیری کودکان کار، حساس سازی نهادها و سازمان های متولی امر کودکان به منظور انجام



فاطمه مهرعلی- سارا نوری نکویی (شعبه ۹۳)

بهار کودک میرسد اما...

مقدمه: پدیده کودکان خیابانی مشکلی اجتماعی است که در اکثر شهرهای بزرگ جهان معاصر از جمله کشورهای در حال توسعه نظیر ایران وجود دارد و به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی هم گریبان گیر بخش در خور توجهی از کودکان و نوجوانان است و هم خانواده و جامعه را با مشکلات و آسیب های زیادی روبرو ساخته است. حال این سوال مطرح می شود که کودکان خیابانی چه کسانی هستند؟! آن هایی که در خیابان کار می کنند و روز شب شان را در خارج از خانه می گذرانند؟! یا آن هایی که تمام روز را در خیابان به سر می برند و شب به خانه برمی گردند؟! در مورد تعریف کودکان خیابانی «لاسک» ۴ گروه از کودکانی که در خیابان می توان دید را تعریف می کند که هر گروه ویژگی های اجتماعی و روان شناختی خاص خود را دارند:

گروه اول: کودکان فقیری هستند که در طول روز در خیابان کار می کنند و شب به خانه بر می گردند. این گروه احتمالاً در مدرسه شرکت می کنند و کمتر به اعمال مجرمانه و بزهکاری روی می آورند.

گروه دوم: کودکان خیابانی مستقلی هستند که پیوند های خانوادگی آنها در حال گسستن است. شرکت آن ها در مدرسه در حال کاهش و بزهکاری در بین آن ها رو به افزایش است.

گروه سوم: کودکان خانواده های خیابانی هستند که به همراه خانواده هایشان در خیابان زندگی و کار می کنند. فقر اقتصادی و از جمله نداشتن مسکن و سرپناه علت اصلی زندگی آن ها در خیابان است.

گروه چهارم: کودکانی هستند که از خانواده خود کاملاً بریده و از خانه فرار کرده اند. این گروه به صورت تمام وقت در خیابان به سر می برند و به نظر لاسک کودکان خیابانی واقعی این گروه هستند.

کودکان به ندرت زندگی خیابانی را قبل از ۵ سالگی شروع می کنند. یکی از علل این امر آن است که کودکان تا قبل از رسیدن به این سن، از نظر مردم اطفالی معصوم و بی گناه شمرده می شوند که در شرایط خاص و سختی زندگی می کنند و به همین خاطر مردم به آن ها پول و صدقه می دهند و از طرفی هم در بسیاری از مناطق جهان به خاطر وضع قوانین، امکان اشتغال برای آن ها وجود ندارد.

عوامل موثر در ایجاد و گسترش پدیده کودکان خیابانی:

۱- عوامل اقتصادی که موارد ذیل را شامل می شوند: فقر، بی عدالتی، فاصله ی زیاد طبقاتی، درآمد کم ۲- عوامل اجتماعی شامل موارد زیر: ازدیاد جمعیت، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ یا از کشورهای دیگر به ویژه افغانستان. ساختار جمعیت (جوان بودن جمعیت) و ناتوانی در پاسخگویی به نیاز های آن ها، جنگ و پیامد های آن (آوارگی، بی خانمانی و...) تغییر ارزش های اجتماعی و فاصله زیاد بین نسل ها، نارسایی و کمبود قوانین حمایتی از کودکان، اعتیاد، بزهکاری، وجود نگرش ها، سنت ها و باور های نادرست در مورد کودکان از جمله نگرش به کودکان به عنوان منبع درآمد، خشونت با کودکان، نبود

سازمان های حمایت کننده از کودکان و... ۳- عوامل خانوادگی که مهم ترین آن ها به شرح زیر است: خانواده های پر جمعیت، خانواده های پر تنش، فوت یا جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، وجود ناپدیری و نامادری، بیماری های روانی والدین. ۴- عوامل زیستی و روانی (فردی) مانند: ویژگی های شخصیتی کودکان، بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از مدرسه، اعتیاد و بزهکاری که عمدتاً تحت تاثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی قرار دارد.

راهکارها

برای کاهش تعداد کودکان خیابانی و بهبود وضعیت زندگی آنان اقدام های زیر را می توان در دو سطح و به موازات هم انجام داد: ۱- راهکارهای بلند مدت: این راهکارها در واقع آرمان ها و آرزوهای ما هستند که در کوتاه مدت امکان تحقق آنها وجود ندارد، اما عاملی برانگیزنده برای کار و تلاش ما، در زندگی است: از بین بردن فقر و نا آگاهی، برقراری عدالت اجتماعی، تامین رفاه اجتماعی و... که مستلزم تغییر های اساسی در ساختار های اجتماعی-اقتصادی جامعه است. ۲- راهکارهای کوتاه مدت: مهم ترین راهکار های کوتاه مدت به شرح زیر است:

- شناسایی کودکان خیابانی، برقراری ارتباط با آنان و جلب اعتماد آنها با کمک مددکاران اجتماعی

- ایجاد سرپناه های مناسب برحسب وضعیت کودکان خیابانی برای آنها
- ارایه خدمات لازم به کودکان خیابانی در زمینه های آموزش، بهداشت، مشاوره و...

- جلوگیری از کار کودکان یا نظارت بر کار آنها در موارد ضروری با توجه به ضرورت رفتن به مدرسه و آموزش برای کودکان

- تدوین قوانین مورد نیاز برای حمایت از کودکان خیابانی

- ارایه خدمات مورد نیاز به خانواده های کودکان خیابانی با توجه به اینکه اکثر کودکان خیابانی با خانواده ی خود زندگی می کنند(خدمات آموزشی، بهداشتی، مشاوره ای و...)

- زیر پوشش قرار دادن خانواده های کودکان خیابانی و ارایه کمک های مالی مفید به آنان برای جلوگیری از کار کودکان

- مشخص کردن سازمان مسئول حمایت از کودکان خیابانی

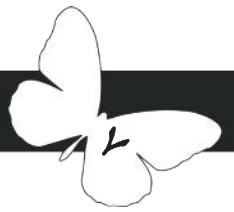
- استفاده از مشارکت های مردمی در حمایت از کودکان خیابانی

- تاکید بر نقش دولت در برنامه ریزی های کلان در ارتباط با کودکان خیابانی

- ایجاد شبکه یا نظام يك پارچه مراقبت و حمایت از کودکان خیابانی

مشاوره با کودکان کار:

مطالعات بسیاری در مورد کودکان کار نشان داده اند که آسیب های روانی در کودکان کار شیوع زیادی دارد. بیشتر این آسیب ها، مربوط به کودک آزاری و محیط آشفته و مسامحه کاری است که این کودکان از آن ها می آیند. این امر با سبک زندگی ای که کودکان در خیابان ها در



الف با ما

هر بار با آغاز سال تحصیلی و آماری که سیستم آموزشی کشور از دانش آموزان منتشر می کند، کمتر کسی به این فکر می کند که تا چه میزان این آمار با جمعیت واقعی مستعد تحصیل مطابقت دارد، چه تعداد از این دانش آموزان به مقاطع بالاتر راه خواهند یافت و چه تعداد به دلایل مختلف، در نیمه های راه مدرسه درس و مشق را رها کرده و به بازار کار وارد شده یا خانه نشین می شوند.

طبق برنامه پنج ساله تا سال ۱۳۹۳ باید بی سوادی در گروه سنی زیر پنجاه سال در مناطق مختلف کشور ریشه کن می شد اما هر ساله شاهد افزایش شمار زیاد کودکانی هستیم که از تحصیل باز می مانند؛ جدیدترین یافته های پژوهشی از وضعیت دانش آموزان در مدارس نیز حاکی از آن است که سالانه یک چهارم دانش آموزان ترک تحصیل می کنند؛ منظور از ترک تحصیل این است که دانش آموزان زودتر از موعد مقرر مدرسه را ترک می کنند. به عبارتی قبل از اتمام یک دوره قادر به ادامه تحصیل نمی باشند و به ناچار مدرسه را ترک می کنند. ترک تحصیل یکی از مشکلات عمده دانش آموزان، خانواده های آنها و سیستم آموزش و پرورش است که فرآیند نه چندان روشنی را رقم می زند و آن را به یک مشکل روانی - اجتماعی تبدیل کرده است.

کودکان بازمانده از تحصیل کودکانی هستند که یا مدرسه نرفته اند و یا پس از دوره ی کوتاهی آن را ترک کرده اند، این کودکان به سه دسته تقسیم می شوند: ۱. کودکانی که فاقد اوراق هویتی هستند. ۲. کودکانی که به علت فقر و ضعف، مدرسه را رها کرده اند. ۳. دخترانی که در سنین کودکی ازدواج می کنند و از مدرسه محروم می شوند.

دلایل ترک تحصیل کودکان

در ابتدا بیانگر این موضوع هستیم که در بررسی دو معضل ترک تحصیل و کار کودکان؛ متوجه ارتباط تنگاتنگ و دو طرفه ی آنها می شویم به عبارتی کودکی که ترک تحصیل میکند به تبع آن خانه نشین می شود و یا در اکثر مواقع به خیابان روی می آورد و یا کودکی که به اصطلاح پدر کوچک خانواده است، از فراگیری آموزش و مدرسه باز می ماند. در نتیجه طبیعی است که دلایل و آسیب های ناشی از کار کودک را که به تفصیل بیان کردیم برای ترک تحصیل کودکان نیز مصادق پیدا کند.

اکنون از دیگر عوامل مهم در پیدایش ترک تحصیل در سنین پایین را باز می شمردیم:

۱. نداشتن اوراق هویتی ۲. عدم توان پرداخت هزینه و شهریه مدارس (به علت فقر، بیکاری، بالا بودن مخارج تحصیل و...) ۳. نا کارآمدی مدارس و نحوه نادرست برخورد اولیای مدرسه با کودکان ۴. کار اجباری کودکان ۵. فقر فرهنگی خانواده ۶. اعتیاد والدین ۷. بدسرپرستی یا بی سرپرستی ۸. بیماری ۹. تکرار پایه و ناتوانی کودک و...

آسیب های ناشی از ترک تحصیل کودکان

علاوه بر آسیب های ناشی از کار کودکان که بخش اعظم آن ترک تحصیل

پیش می گیرند، تشدید می شود.

پیش از هر مداخله، لازم است یک ارتباط مثبت با کودک ایجاد شود. بسیاری از این کودکان، تجارب آسیب زایی در مواجهه با بزرگ سالان داشته اند و به آنان اعتماد نمی کنند. برخی از آن ها به علت خشونت و اعتیاد خانواده، خانه را ترک گفته اند و به خیابان روی آورده اند و در آن جا یاد گرفته اند به یکدیگر تکیه کنند و به دیگران اعتماد نکنند، لذا افرادی که با این کودکان کار می کنند لازم است حساس، صبورانه و بدون قضاوت برخورد کنند. اکثر این کودکان، وقتی کسی با کاغذ و قلم به سراغ شان می آید، نگران می شوند که این همه سوال را برای چه می پرسد. یک اسباب بازی کوچک مانند یویو و سیله ی خوبی برای ایجاد توجه است. در کنار کودکان بودن (برای مدتی طولانی) و پیوستن به بازی های آن ها (بدون داشتن وسائل و دفتر یادداشت) بهترین راه برای تماس برقرار کردن با آن هاست.

در سال های اخیر، تکنیک های درمانی از قبیل موسیقی درمانی، هنر درمانی، بازی درمانی، رقص درمانی و سایکودرام، در کنار درمان های کلامی مرسوم به کار می رود. درمان با حرکات موزون بدنی، برای کودکانی که نمی توانند احساسات خود را به صورت کلامی نشان دهند، نوجوانانی که دردناک ترین خاطرات خود را مخفی می سازند، کودکان بزرگتری که آن قدر تنها، افسرده و سردرگم هستند که نمی توانند درباره ی تجارب آسیب زای زندگی خود با دیگران صحبت کنند، می تواند مفید واقع شود. درمان با تحرک بدنی، ارتباط میان جسم، ذهن و روح را بالا می برد و باعث ارتقای انعطاف، تعادل، اعتماد به نفس و عزت نفس می شود و برای کودک احساس هماهنگی، کنترل و تسلط ایجاد می کند.

همچنین آموزش مهارت زندگی برای کودکان فرصتی ایجاد می کند تا بتوانند برخی مهارت های روانی اجتماعی را در خود پروراندند و به آن ها کمک می کند که در زندگی روزمره، تصمیمات و رفتارهای سالمی را در پیش بگیرند.





جامعه به عنوان نیروی کار آماده به فعالیت هستند تا بتوانند هزینه زندگی خود را تأمین کنند، حال اگر از نیروی کار بزرگتر استفاده نشود و برای آنها اشتغال زایی نشود، شرایط مستعد کار کودکان می شود.

همه می دانیم و بارها شنیده ایم که خانواده مقدس ترین جایی است که کودک می تواند در آن رشد کند ولی اگر به این خانواده که رکن و اساس يك جامعه است رسیدگی نشود و صدای نیازهای آن شنیده گرفته شود؛ همین عامل اولین مکانی است که حقوق کودک را تضییع می کند؛ وقتی کودک وابسته به خانواده می شود و این خانواده دچار فقر می گردد دیگر حق تحصیل از وی ستانده می شود و به دنبال آن حق بهداشت، آرامش و امنیت نیز؛ که در واقع علت اساسی باز ماندگی از تحصیل در این بخش این است؛ و مسئولیت حمایت و تأمین اجتماعی کودک را دولت باید بر عهده گیرد؛ اگر این کار عملی شود در صورت فقیر بودن خانواده فرزند از تغذیه، بهداشت، تحصیل و... باز نمی ماند؛ وقتی میتوانیم ادعا کنیم عدل بر جامعه ای حکم فرماست که کودک فقیر و غنی در سهم بردن از زندگی، برابر باشند. اصطلاحاً در ادبیات کودکان کار در جهان می گویند؛ حق کودک جهان شمول است.

الف الفبای این کودکان با ماست (هرکس که مسئولیتی دارد هر چند کوچک) تا حرف آخر را کودکان می روند اگر گام نخست درست برداشته شود برای آنها.



پارسا حقیقی (برق ۹۵)



کودکان کار برای هیچ باند یا گروه خاصی کار نمی کنند

مصاحبه با نوید مسائلی مدیر عامل موسسه مردم نهاد طلوع مهر و دوستی

جنابعالی چند سال است در حوزه کودکان کار فعالیت می کنید.

من از سال ۸۶ وارد مسائل حوزه اجتماعی شدم و از همان ابتدا بحث کودکان کار را انتخاب کردم. از سال ۸۶ تا ۹۳ با انجمن های مختلفی فعالیت داشتم. چیزی که مشاهده می شد این بود که اغلب NGO ها فعالیت تخصصی در بحث کودکان کار به خصوص کودکان دست فروش نداشتند و اغلب از کودکان بد سرپرست حمایت می کردند. این شد که در سال ۹۳ تصمیم گرفتیم يك سازمان مردم نهاد با موضوع حمایت از کودکان کار احداث کنیم. مجوزمان را در سال ۹۳ از وزارت ورزش و جوانان گرفتیم و شروع به فعالیت کردیم.

در این راه دو هدف را پیش رو داشتیم: اول این که فضایی را ایجاد کنیم که جوانان بتوانند وارد مسائل بشر دوستانه شوند و دوم اینکه به صورت تخصصی در حوزه کودکان کار فعالیت کنیم. در سال اول فعالیتیمان هیچ مکان و امکاناتی نداشتیم و

کودکان را هم در بر می گیرد ولی به طور اختصاصی اگر بخواهیم آسیب های اجتماعی ناشی از ترك تحصیل کودکان را نام ببریم، باید گفت ترك تحصیل کودکان باعث افزایش نرخ بیسوادی و نا آگاهی در جامعه که خود با بسیاری از آسیب های اجتماعی گره خورده است، می شود و با ایجاد يك خلا روحی سبب می شود این دسته از کودکان در سنین بزرگسالی به انواع امراض روحی و روانی همچون افسردگی و... دچار شوند. همچنین گرایش به بزهکاری و خلاف و انواع ناهنجاری ها در این دسته بیشتر مشاهده میشود.

آسیب شناسی روانی

آسیب شناسی روانی؛ رفتار، احساس و هیجان های افراد را از نقطه نظر برخورد با محیط، جامعه مورد بحث قرار می دهد. هم چنین چگونگی احساس متفاوت بودن افراد از نظر جامعه و برخورد با آنها را بررسی می کند. اختلال های شخصیتی، خلقی و اضطرابی سه حیطة مهم در این زمینه هستند که در ادامه سعی بر بررسی آن داریم:

اختلال های شخصیتی: الگوی ناسازگارانه و بادوام تجربه درونی و رفتار که ریشه در زمان کودکی و نوجوانی دارد که در زمینه های شناخت، هیجان پذیری، عملکرد میان فردی و کنترل تکانه آشکار می شوند. کودکان و نوجوانان در اوایل عرصه ی زندگی خود قرار گرفته اند و همچون لوح سپیدی می مانند که حتی کوچکترین کنش و واکنش اجزا محیط بر آن اثر خود را می گذارد و به مرور الگوی شخصیتی را در آن ها نهادینه می سازد، حال در شرایطی که کودک از محیط مناسب بالش و پرورش خود دور نگاه داشته بشود، بدیهی است که نتواند به الگو و شخصیت مناسب و متعادلی دست پیدا کند، الگویی انعطاف ناپذیر که در موقعیت های فردی و اجتماعی مختلف مشهود می شود و موجب پریشانی و اختلال می شود، اختلال هایی چون رفتارهای غیر عادی، شخصیت های ضد اجتماعی، نمایشی، هیجانی، دمدمی و... می شود.

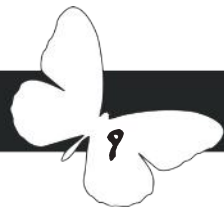
اختلال های خلقی: افراد مبتلا به اختلال های خلقی شامل ضعف هستند و افسردگی های جدی را شامل می شوند که پیامدهایی چون عدم علاقه به فعالیت های روزمره، بی خوابی، خستگی، احساس بی ارزشی یا گناه بی مورد، مشکل در تمرکز یا بی تصمیمی، پرخاشگری و... را در پی دارد.

اختلال های اضطرابی: ترس؛ به پاسخ هشدار فطری و تقریباً زیستی به موقعیت خطرناک یا مهلك اشاره دارد. افراد مبتلا به اختلال های اضطرابی هشدارهای کاذب احساس می کنند که در آنها، محرك ها یا موقعیت های بی ضرر، خطرناک پنداشته می شود.

تجربیات نشان داده این نوع اختلال در کودکانی که از محیط امن آموزش طرد شده و به خیابان و یا کار در سنین پایین روی می آورند بسیار شایع می باشد که متأسفانه این اختلال منجر می شود که آنها ساده ترین مسئولیت های روزمره را هم نتوانند به خوبی انجام دهند و مدام درگیر با احساس درماندگی، ناامنی، وحشت زدگی و نا آرامی و... هستند.

الف با ما

بر اساس ماده ۸۲ کنوانسیون حقوق کودکان که دولت ایران آن را پذیرفته است، حکومت ها موظفند که آموزش کودکان را در سطح ابتدایی به طور رایگان، اجباری و برای دوره های عالی امکانات لازم را ایجاد کند، ضمن اینکه برای کاهش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل تلاش کنند. ولی اساساً چیزی که در جامعه اتفاق می افتد خلاف این است؛ بخش زیادی از افراد



تمام خدمات آموزشی و پیگیری هایمان را در فضاهای شهری مثل پارک ها، مساجد، رستوران ها، کافی شاپ ها و... برگزار می کردیم تا اینکه بعد از يك سال فعالیت يك مکان توسط خبیری در اختیار ما قرار گرفت و توانستیم در آنجا فعالیت های آموزشی مان را به صورت گسترده تر شروع کنیم و کلاس های مختلفی را برای کودکان کار برگزار کنیم.

لطفا درباره فعالیت ها و خدمات موسسه طلوع مهر و دوستی توضیح بدین.

در مرحله اول بچه های کار را به صورت میدانی شناسایی می کنیم و وارد خانواده این بچه ها می شویم و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی آن ها را بررسی و اولویت بندی می کنیم و بر اساس اولویت، به این بچه ها خدمات ارائه می دهیم. خدمات ما در حوزه آموزش، کلاس های سواد آموزی، کلاس های تقویت تحصیلی، کلاس های خلاقیت و کلاس های مهارت زندگی است. در حوزه درمان برای بچه ها، هم کلاس های آموزش فردی داریم و هم بحث معاینه و درمانشان (چه در حوزه پزشکی و چه در حوزه دندان پزشکی) را پیگیری می کنیم. خدماتمان در حوزه تفریح این است که سعی می کنیم هر دو ماه برای بچه ها يك برنامه تفریحی داشته باشیم. موارد مختلفی بودند که بهترینشان سفر بچه های کار به مشهد مقدس بوده است.

در حوزه خدمات مددکاری، توزیع پوشاک، لوازم تحریر، کیف و کفش و ارزاق برای این بچه ها را تا الآن داشته ایم. در حوزه روانشناسی، برای کودکانی که نیاز به اقدامات روان شناسی دارند، کار های مشاوره ای و روان شناسی انجام می دهیم. و در زمینه های دیگر مثل زمینه حقوقی این بچه ها فعالیت می کنیم و کار ویژه ای که انجام می دهیم این است که سعی می کنیم مردم با کودکان کار بیشتر آشنا شوند و یاد بگیرند که با کودکان کار چگونه برخورد کنند. در رابطه با این موضوع يك کارگروه تخصصی تحت عنوان کارگروه ترویج داریم که از برنامه های این کارگروه می توان به برگزاری جشنواره عکس کودکان فراموش شده و همچنین همایش های مختلف که آخرین آن همایش اتاق بازرگانی که در آذرماه امسال برگزار شد، اشاره کنیم. در نمایشگاه ها و بازارچه های خیریه مختلفی شرکت می کنیم که آخرین آن شهریور ماه بود که نزدیک به دوهزار نفر از این بازارچه دیدن کردند و در اسفندماه يك بازارچه خیریه دیگر در پیش داریم.

يك ویژگی منحصر به فردی که موسسه طلوع مهر و دوستی دارد این است که کاملاً مردم نهاد است و هیچ پرسنل و کارمندی ندارد و کاملاً توسط نیروهای جوان اداره می شود و يك فضای را ایجاد کرده ایم که جوان ها بتوانند فعالیت اجتماعی انجام بدهند. در اصفهان کمتر جایی هست که در آن جوان ها، با هر توانایی که دارند بتوانند فعالیت اجتماعی کنند و ما توانستیم این جا این شرایط را برای آن ها محیا کنیم.

انگیزه و مشوقتان در این راه چه چیزی بوده است؟

هیچ انگیزه ای بالاتر از کمک کردن به هم نوع نیست یعنی وقتی که شما به هم نوع خودت کمک می کنید، با هر نژادی و مذهبی که باشد ایرانی، افغانی، سنی، شیعه و... در واقع به خودتان بیشتر کمک می کنید و این بالاترین انگیزه برای ما بود.

فرآیند شناسایی کودکان کار چگونه انجام گرفت؟ با چه مشکلاتی در این مرحله روبرو بودید؟

در این زمینه با مشکلات مختلفی روبرو بودیم. بسیاری از این خانواده های کودکان کار همکاری نمی کنند و سخت اعتماد می کنند. پروژه ای که ما امسال از ابتدای فروردین تا آخر تابستان اجرا کردیم این بود که اصفهان را به ۴۲ منطقه تقسیم بندی کردیم و برای هر منطقه حدود دو جوان را گذاشتیم که زمان های خاصی بروند و

بچه های کار را شناسایی کنند و با خانواده آن ها تماس بگیرند.

بازه سنی بچه های موسسه چقدر است؟

بچه های تحت پوشش ما از سن ۴ سال هستند تا ۱۸ سال. و هر يك از بچه ها مطابق سنشان حمایت می شوند. ابتدا ما با ۲۵ دختر بچه شروع کردیم؛ اما الان بالغ بر ۱۱۰ کودک تحت پوشش داریم و به این شکل است که هر کس حامی يك کودک هست و ما فعالیتشان را پیگیری می کنیم. این بچه ها عمدتاً اهل منطقه شمس آباد اصفهان هستند.

وضع تحصیل بچه های موسسه چگونه است؟ آیا کار کردن لطمه ای به درس خواندنشان وارد کرده است؟

در موسسه طلوع مهر و دوستی بر مسئله ای که بسیار تمرکز داریم وضعیت تحصیلی بچه هاست. بچه ها اغلب صبح تا ظهر به مدرسه می روند و بعد از ظهر دستفروشی می کنند. این موضوع باعث آسیب به درس این بچه ها و حتی ترك تحصیل آن ها می شود. در موسسه با برگزاری کلاس های رفع اشکال و قرار دادن پشتیبان برای کودکان سعی می کنیم بچه ها را از ترك تحصیل باز داریم. مسئله دیگر این که مدرسه ها در ابتدای سال تحصیلی از بچه ها هزینه بالایی می گیرند و این موضوع خود عامل مهمی برای ترك تحصیل کودکان است. با مطالبه گری ای که در این زمینه از اداره کل آموزش پرورش اصفهان و استاندار اصفهان کردیم؛ توانستیم اکثر بچه ها را به طور رایگان ثبت نام کنیم.

در چند سالی که با کودکان کار در تعامل هستید، اتفاقی افتاده که برای شما خاطره انگیز باشد؟

در طی سال هایی که در حوزه کودکان کار فعالیت می کنم خاطرات خیلی زیادی برایم به یادگار مانده است. یکی از آن ها در سفر مشهد بود که یکی از دختر بچه های موسسه ما که نیمی از بدنش فلج است هنگامی که وارد صحن امام رضا شدیم از خود بی خود شد و روی زمین افتاد و شروع به درد و دل کردن با امام رضا کرد و همه بچه های کاری که همراهمان بودند گرداگرد این کودک حلقه زدند و آن ها نیز شروع به گریه و درد و دل کردن با امام رضا کردند. صحنه خیلی زیبایی بود. در آنجا اشک از چشمان همه نیروهای داوطلبی که همراه ما آمده بودند نیز سرازیر شد. مورد دیگر در زمستان امسال به لطف کمک های مردمی توانستیم به بالای ۵۱ کودک کار کاپشن بدهیم، این موضوع باعث شد تعدادی از کودکان کار لطف کردند و پول هایشان را روی هم گذاشتند و برای من هم يك کاپشن نو خریدند.

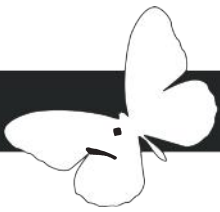
کودک کار چه تفاوتی با کودک خیابانی دارد؟

کودک خیابانی به خاطر شرایط مختلف در خیابان زندگی می کند اما کودک کار در کنار خانواده اش زندگی می کند و مجبور است ساعاتی در خیابان کار کند.

کودکان کار غالباً به چه حرفه هایی مشغول اند؟ آن ها در معرض چه آسیب هایی قرار دارند؟

کودکان کار در حوزه های مختلفی فعالیت می کنند ولی ما کودکان کار دستفروش را انتخاب کردیم چون بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. دستفروشی کاری است که در سطح شهر و در جامعه انجام می شود و این بچه ها که ساعات زیادی در پارک ها و جاهایی که رفت و آمد زیادی انجام می شود، دستفروشی می کنند، دچار آسیب های زیادی می شوند من جمله: به آنها ممکن است تجاوز جنسی شود، حمل مواد مخدر، بزهکاری، دزدی و خشونت را یاد می گیرند و این بچه ها در سنین پایین به جای این که کودکی کنند، این آسیب ها به آن ها وارد می شود و وقتی بزرگ می شوند باعث می شود آن ها انتقامشان را از جامعه بگیرند.

بچه ها برای باند و گروه خاصی کار می کنند یا برای کمک خرجی خانواده مجبور به



کودکان کار از دیدگاه جهانی

مقدمه

کودک کار، از دو بخش کودک و کار تشکیل شده است. دو سازمان بین‌المللی بزرگ برای حمایت از حقوق کسانی که کار می‌کنند (ILO)، سازمان بین‌المللی کار) و کودکان (یونسف) وجود دارد که هر یک با دید مخصوص به خود به مسأله کودک کار می‌پردازند.

کودک کار از دید ILO

تفاوت‌های قابل توجهی بین انواع کارهایی که کودکان انجام می‌دهند، وجود دارد. برخی بسیار دشوار و سخت‌گیرانه هستند و برخی بسیار خطرناک و برخی دیگر به لحاظ اخلاقی مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. کودکان کار، طیف گسترده‌ای از کار را در سراسر دنیا به عهده می‌گیرند.

تعریف کودک کار

همه‌ی کارهایی که توسط کودکان انجام می‌گیرد را نمی‌توان کار کودک نامید. اگر فعالیت کاری کودکان یا نوجوانان منجر به آسیب به سلامتی یا رشد آن‌ها نشود و با مدرسه تداخلی نداشته باشد، به عنوان فعالیت مثبت قلمداد می‌شود. کمک کردن به والدین در خانه، کمک به تجارت خانوادگی (کار در مغازه‌ها) یا به دست آوردن مقدار کمی پول در ساعت‌های عدم حضور در مدرسه و یا تعطیلات مدرسه، فعالیت‌هایی مثبت هستند؛ چنین فعالیت‌هایی کمک به پیشرفت کودکان و رفاه خانواده‌هایشان می‌کند و مهارت‌ها و تجربیاتی را برایشان به وجود می‌آورد که کودکان را تبدیل به بزرگسالانی با روحیه سازنده در جامعه آینده‌شان خواهد کرد. مفهوم کار کودک اغلب به عنوان کاری که کودکان را از کودکی، پتانسیل رشد و عزت و کرامتشان محروم می‌کند، تعریف می‌شود و به رشد جسمی و روحی آنان آسیب می‌رساند. کار کودک، از لحاظ ذهنی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی خطرناک و آسیب‌رسان است، با فعالیت کودک در مدرسه تداخل دارد، کودکان را از فرصت حضور در مدرسه محروم یا آنان را مجبور به ترک تحصیل و ملزم به انجام کارهای طاقت‌فرسا و سنگین به جای حضور مفید در مدرسه می‌کند. فرم شدید کار کودک شامل بردگی، جدا شدن از خانواده، در معرض خطر و بیماری قرار گرفتن و رها شدن در خیابان‌های شهرهای بزرگ است تا به تنهایی از خود دفاع کردن (در سن‌های خیلی پائین). در هر صورت، شکل‌هایی از کار می‌توانند کار کودک نامیده شوند که توسط یک کودک انجام شوند و نوع و ساعت‌های انجام کار و شرایطی که تحت آن کار را انجام می‌دهند، برای یک کودک تنظیم نشده باشد.

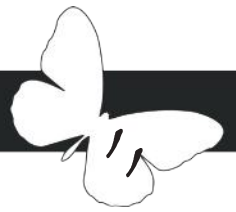
کار کردن می‌شوند؟

در ذهن غالب مردم این است که بچه‌ها برای باند یا گروه خاصی کار می‌کنند اما چنین موردی تا به حال نه در اصفهان و نه در تهران گزارش نشده است. اغلب این بچه‌ها خانواده دارند و این بچه‌ها مدام توسط شهرداری گرفته می‌شوند و به مرکز بهزیستی تحویل داده می‌شوند و در آنجا خانواده بچه‌ها شناسایی می‌شوند و اگر سرپرست نداشته باشند، در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی نگهداری خواهند شد.

شیوه برخورد ما به عنوان رهگذر با کودکان کار چگونه باید باشد؟

با این بچه‌ها به صورت یک فروشنده برخورد کنید یعنی اگر به محصولی که می‌فروشند نیاز دارید، خرید کنید و اگر واقعا نیاز ندارید خیلی مؤدبانه برایش توضیح بدهید که من نیاز ندارم و از او خرید نکنید. چون این خرید شما نه تنها کمکی به آن کودک نمی‌کند بلکه باعث افزایش تعداد کودکان کار می‌شود. همچنین نباید به این کودکان بی‌احترامی و توهین کنید، نباید به آن‌ها بی‌محلی شود. بهترین راه کمک به کودکان کار این است که از طریق سازمان‌های مردم‌نهادی که این بچه‌ها را کاملا شناسایی کرده‌اند و می‌دانند نیاز واقعی خانواده‌های آن‌ها چیست، به این کودکان کمک کنید.





بدترین شکل کارِ کودک

کارِ کودک اشکال متفاوتی دارد اما الویتی برای حذف فوری کارِ کودک وجود دارد؛ بنا بر متن سوم قرارداد جهانی ILO (سازمان بین المللی کار)، شماره ۱۸۲: الف) تمام اشکال برده داری یا مشابه به آن، مانند فروش و قاچاق کودکان، تحویل کودکان در ازای بدهی، فرستادن به سربازی و اجبار به کار سخت که شامل استفاده از کودکان به عنوان سرباز در ارتش باشد. ب) خرید یا به کار گرفتن کودکان برای روسپی گری و ساخت محصولات پورنوگرافی. ج) استفاده از کودکان برای فعالیت های قاچاق، به خصوص قاچاق دارو که مخالف با قوانین بین المللی تجارت دارو باشد. د) شرایط کار برای سلامتی کودکان ضرر داشته، نا امن و از لحاظ اخلاقی ایرادات جدی داشته باشد. (به کرامت و عزت نفس کودک آسیب برساند). کاری که برای جسم، روح یا اخلاق یک کودک خطرناک باشد، چه به خاطر ذات کار و یا شرایطی که کار انجام می شود، به عنوان کار خطرناک شناخته می شود.

کودک کار از دید UNICEF

تخمین زده می شود که ۶۴۲ میلیون کودک کار در سراسر دنیا وجود دارند که نزدیک به ۷۰ درصد (۱۷۱ میلیون) به کارهای خطرناک در شرایط نامساعد مانند کار در معادن، کار با مواد شیمیایی و بیگاری در مزارع و کار با ماشین های خطرناک، مشغول هستند. آن ها همه جا هستند اما نامرئی اند، خدمات خانگی در خانه ها، کار کردن در پشت دیوار های کارگاه ها، مخفی شده در پشت کشته های مزارع. قریب به اکثریت کودکان کار، در بخش کشاورزی کار می کنند. میلیون ها دختر به عنوان خدمتکار خانگی، بدون این که حقوقی را دریافت کنند، کار می کنند که نسبت به تجاوز و بهره کشی جنسی به شدت آسیب پذیر هستند. میلیون ها شغل دیگر تحت شرایط خطرناک برای کودکان وجود دارد. ممکن است قاچاق شوند (۲،۱ میلیون)، مجبور به مبادله به عنوان بدهی یا شکل های دیگر برده داری شوند (۷،۵ میلیون)، مجبور به روی آوردن به روسپی گری و یا پورنوگرافی شوند (۸،۱ میلیون) یا به عنوان سرباز کودک در کشمکش های نظامی به کار گرفته شوند (حدود ۳۰۰ هزار).

مرور چند نکته درباره نقش مردم

۱- خودتان را آگاه کنید: از منابع استفاده کنید و آنچه را که به دوستان، خانواده، همکاران و دیگران یاد می دهید؛ اشتراك بگذارید و با هم دیگر کار کنید تا قدرت تصمیم گیری شما افزایش یابد. مطالعه کنید، از تجربه دیگران بهره بگیرید و مطمئن شوید که در برخورد با این پدیده باید چه رفتاری داشته باشید.

۲- وقت و پول خود را صرف کودکان کار کنید: فراموش نکنید که کمتر خرج کنید و این پول را برای حمایت از گروه های معتبر که به بچه های کار کمک می کنند، کنار بگذارید. کمک ناچیز و حداقل هم می

تواند به بهبود وضعیت کودکان کار کمک کند.

۳- اخلاق مدارانه سرمایه گذاری کنید: اگر شما يك سهام دار هستید، از صدای خود استفاده کنید تا اطمینان حاصل کنید که شرکت هایتان از شیوه های انسانی، پایدار و درستکار که کار کودک را شامل نمی شوند، پشتیبانی کنند. شرایطی را ایجاد کنید که موضوع کودکان کار برای سایر سهام داران مهم باشد تا شرکت ها به اجبار از به کار گیری کودکان صرف نظر کنند.

۴- يك رای دهنده آگاه باشید: دستور کار نامزدها در حوزه هایشان را بررسی کنید. اگر حذف کار کودکان بخشی از دستور کار آنها نباشد، در بحث ها و سایر تعاملاتی که ممکن است با آنها داشته باشید، مطرح کنید و نظراتشان را بسنجید. اگر آن ها کار کودک را محکوم نمی کنند، به آن ها رای ندهید. این آگاهی را برای سایر رای دهندگان نیز اشاعه دهید تا کسانی انتخاب شوند که قدم در راه حذف کودکان از کار گذاشته اند.

۵- آموزش دیگران: سخنرانی در مدارس، مکان های مذهبی و عموم مردم برای آموزش درباره کودکان کار بسیار مفید است. گفت و گوی ساده با شخصی دیگر هنگام مشاهده این معضل و در میان گذاشتن ایده های صحیح، می تواند حساسیت ایجاد کند.

۶- داوطلب شدن برای جنبش های پیشگام (سازمان هایی که برای ریشه کن کردن کار کودکان کار می کنند): داوطلب شدن در نزدیک ترین دفتر منطقه ای این سازمان، درک اهمیت این موضوع و تلاش در جهت رفع تمام و کمال پدیده کودک کار می تواند برای کودکانی مورد حمایت سازمان مورد نظر قرار می گیرند، بسیار مفید باشد.

لازم است یاد آوری کنیم، کایلاش ساتیارتشی، برنده جایزه صلح نوبل، فعال حقوق کودکان است که بیش از ۳۶ سال، علیه کار کودکان مبارزه کرد و چشم این مرد عامی بود که منجر به تشکیل یکی از بزرگ ترین جنبش های مردمی جهان شد و صدایش برای کودکان کار مرزها را درنوردید.

منابع:

- ۱- سایت اصلی ILO
- ۲- سایت اصلی UNICEF



گزارش تصویری فعالیت های کانون بچه های آسمان در ترم گذشته



طرح جمع آوری لباس زمستانی نو و دست دوم به نفع خانواده های مددجو



طرح آموزش در منطقه امیر آباد نجف آباد



جامدادی مهر- تامین هزینه خرید لوازم التحریر دانش آموزان مددجو



یلدای مهر- شبی در کنار کودکان کار



توزیع لوازم التحریر در منطقه صمصامی شهر کرد

